



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



قیس کبیر

۲۰۲۵/۱۲/۱۱

همکاری صادقانه «آقای مسعود فارانی» با «مجمع اللغات» قاموس کبیر افغانستان

((مسعود فارانی از همکاران دارای سواد بلند پورتال ما است، او در تشخیص صحت و درستی معنایی و نوشتاری با املائی واژه ها استعداد عالی را داراست، این استعداد در ماحول بسیار غنی ادبی فامیلی اش رشد کرده و شگوفای شده است، محمود فارانی و نیز شاعر شهیر روزگار ما محترم فاروق فارانی در کنار مسعود بوده اند، این برادران ادیب بر یک دیگر اثر عمیق در زبان و شعر و ادب به جا گذاشته اند، سر و کار دائمی مسعود با کتب مؤخذ (Reference) آثار اساسی و معتبر و مرکزی در زبان و ادبیات دری، او را به حیث یک فرد آشنا با شکل و محتوی کلمات زبان دری مرتبت داده است، بی آنکه از زبان اصیل دیگر وطن ما یعنی زبان خوش نوای پشتو، به دور مانده باشد. مسعود هم در زبان دری و نیز در زبان پشتو اشعار وزین و دلنوازی سروده است.

بدین خاطر جناب مسعود فارانی یکی از اعضای ارزشمند قاموس کبیر می باشد که بخش زیاد مطالب مربوط به زبان، شعر و ادب و... در قاموس نامبرده زیر نظر جناب مسعود فارانی در آن ثبت و نشر می شود.))

غمکاسه:

غمکاسه یا غم کاسه یکی از رسوم انسانی در میان مردم ما است که غم شریکی، همدردی و دل آسایی با فامیل سوگوار و ماتم زده را نشان میدهد؛ اقارب، دوستان و یا همسایه ها، فامیل سوگوار را جهت صرف طعام به منزل خویش فرا می خوانند و میزبان غذای را که برای فامیل سوگوار تهیه و پخته نموده اند، یکجا با فامیل سوگوار در منزل میزبان صرف می نمایند، بزرگان چنین شرح میدهند که این رسم آکنده از همدردی و قربت با فامیل سوگوار سبب رفع حس فقدان یک عضو آن فامیل می گردد و فضای غم و اندوه آنها تقلیل می یابد در واقع صرف غذا برون از منزل سوگواران و میان وابستگان فضای غم و اندوه در هم می شکند. صرف غذا فامیل سوگوار به دعوت و با فامیل میزبان (اقارب، دوستان و همسایه ها) در منزل و یا کدام محل دیگر که میزبان لازم می بیند بعد از مراسم تدفین و فاتحه و سایر رسوم سوگواری را غم کاسه می نامند

گذار- ترکیب سازش پسوندهای گذار و گزار با کلمات مختلف ایجاد مشکل می کند. بعضی ها خدمتگذار را خدمتگذار می نویسند. حتی نویسندگان ادیب نیز دچار این اشتباه می شوند. چه قاعده ای را برای درست نوشتن ترکیب کلمات مختلف با پسوند گزار و گذار به کار ببریم تا دچار اشتباه نشویم؟ اگر منظورتان قرار دادن یک شی فیزیکی یا مجازی و یا وضع کردن و یا تأسیس کردن باشد باید آن را با حرف ذال نوشته

کنیم، مانند:

قانونگذار: کسی که قانون وضع می کند.

بنیانگذار: کسی که تأسیس می کند؛ یعنی مؤسس

بدعتگذار: کسی که بدعتی را وضع و ایجاد می کند

بنابراین بدعتگذار، قانونگذار و بنیانگذار به «ز» نادرست است.

معنی گذار در معانی ذیل درست است:

قرار دادن، تأسیس کردن و ایجاد کردن، وضع کردن. اگر امثال اینکلمه هیچ کدام از معانی بالا یعنی قرار دادن، وضع کردن، تأسیس کردن و ایجاد کردن را نداشت آن را با حرف «ز» بنویسید نه به حرف «ذ» ذال. اما با وجود این به معانی «گذار» توجه کنید.

گذار در معمولاً در یکی از معانی زیر با کلمات مختلف ترکیب می شود:

به جا آوردن، ادا کردن، خرج کردن، اجرا کردن، انجام دادن، شرح دادن، تعبیر و ترجمه کردن.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خبر و لولی

و اما کلماتی که با معانی ذیل مورد استفاده قرار می گیرند توجه کنید:
 نمازگزار، خدمتگزار، خوابگزار، حجگزار، خبرگزار، کارگزار و سپاسگزار درست است.
 نمازگذار، خدمتگذار، خوابگذار، حجگذار، خبرگذاری، کارگذار و سپاسگذار نادرست است.
 حالا خراجگزار درست است یا خراجگذار؟

اگر منظور کسی است که خراج مالیات را می پردازد یعنی مالیات می دهد باید نوشت **خراجگزار**. اما کسی که وضع کننده قوانین خراج یا مالیات است باید چنین نوشت: **خراجگذار** اگر **خراجگزار** به حرف «ز» خواندید او مالیات می پردازد و اگر به حرف «ذ» خواندید او قانون گذار مالیات است.

عَطَّالت:

معنی که در زبان دری رواج دارد: بیکارگی، بیکاری، تنبلی، تنپروری، کاهلی، اهمال، لاقیدی، بیهوده سرائی، بیهوده گوئی، پاوه گوئی، هزل، تن آسائی، معطلی، تعطل، عطلت.
 یعنی این لغت در زبان دری بار منفی دارد. و بار مثبت آن در زبان دری اکنون معمول و مروج نیست. مانند: شجاعت و دلیری. (ناظم الاطباء). دلیری. (غیاث) (فرهنگ نظام). در نثر قدیمه بار مثبت **مردانگی** را چنین آورده اند که: **خان مزبور** از راه **بطالت اظهار بطالت نمود**. (دره نادره چ 1341 ع. ش. انجمن آثار ملی ص 400)
 به اهتمام مسعود فارانی

نعت:

نعت- صفت، نشان، نشانه، نشانی، وصف، توصیف. خصوصیت، خصلت، عادت، وصف کردن کسی یا چیزی را به نیکی یاد کردن، اگر نعت ترکیب شود با فاعلی= مساوی می شود با صفت نسبی منسوب به فاعل که همان ترکیب وصفی را از این ترکیب حاصل می کنیم. مراجعه شود به **نعت فاعلی**
جمع نعت = نعت

متبحر:

صفت فاعلی - شخص مطلع، انسان باخبر، فرجاد، آموزنده، عالم، دانشمند، استاد، دانا، آگاه، انسان بسیار عالم، شخص بسیار با علم که در بحر علوم غور و شناوری کرده باشد، انسان زبردست، کاردان، ماهر، متخصص، وارد، ورزیده، چیره دست، آنکه از علوم اطلاعات فراوان دارد. با تجربه، کارآموده، بلد، حرفه ای.

کرک / کرک

کرک به معنی منفور، ناخوش آیند، چندان آور، چیزی نفرت شده، ناپسند، زشت و مکروه.

ضجه

ضَجَه- ناله و فریاد و شیون، غوغای از درد، فریاد ناچاری، شیون. کلمه "ضجه" به معنای "فریاد بلند" یا "ناله شدید" است که معمولاً در مواقع درد، غم یا وحشت از آن استفاده می شود. این اصطلاح برای توصیف صدای بلند و پریشان از کسی که در حال بیان رنج یا ناراحتی است به کار می رود.

زیره و پودینه: دو نوع مصالحه یعنی زیره و پودینه (گیاهان) اند که در عده ای از خوراکهای افغانی به کار می رود. از منظر اجتماعی "زیره و پودینه" به جزئیات و شرح مکمل یک قضیه اطلاق می گردد. مثلاً اگر دو نفر با هم در تخصم قرار داشته باشند، این یکی می گوید که من حالا "زیره و پودینه" گپ را می کشم. یعنی قضیه را با تمامی جزئیات آن فاش کرده، آنرا شرح می دهم. و یا احمد دیروز در تلویزیون طلاع "زیره و پودینه" قرارداد امریکا با طالبان را افشاء کرد. در بعضی جاها به عوض "زیره و پودینه"، "سیر و پودینه" می گویند که در عین مفهوم است.

ایران:

- الف - اسم کشور فارس که در سال 1935 میلادی برابر با سال 1314 شمسی به ایران امروزه گذاشته شد. هم اکنون مطابق به سال 2017 برابر به سال 1396 شمسی این کشور 82 ساله می شود.
 در هر متنی که قبل از تاریخ 1935 میلادی برابر با 1314 شمسی کلمه ایران منحبث یک کشور قلمداد شده باشد یک جعل تاریخی آشکار است. زیرا چنین کشوری یک دست مثل امروز با چنین نامی مشخص یعنی ایران در تمام منطقه وجود نداشت. فارسها در زمینه بسیار تلاش کرده اند تا با ساختن هویت جدید برای خودشان، هویت منطقه را دگرگون کرده مغشوش سازند. غرض معلومات بیشتر لطفاً به آثار و اسناد دقیق از قلم روانشاد جناب ناصر پور پیرار بنام "تأملی در بنیاد تاریخ ایران" (دوازده قرن سکوت) مرا جعه کنید

— ب — اسم افسانوی ایرن یا آریانا است که در هشتاد و دو سال به اینطرف بشکل ایران رایج شده است. لطفاً در بخش معلومات بیشتر مراجعه نمائید

کلمه ایران کنونی در قدیم چنین نبوده بلکه به اشکال یرن (Erān) بوده، و برگرفته از شکل قدیمی Airya Nama و به معنای خطه است که افغانستان کنونی وارث آن می باشد. در زبان سنسکریت اریه (Ariya) به معنی سرور و مهتر و آریکه (Aryaka) به معنی مرد شایسته بزرگداشت و حرمت است و آریایی به زبان اوستایی آریانا (Airyana) و به زبان پهلوی و پارتی دری ایر خوانده می شود.

ایر در لغت به معنی آزاده و جمع آن ایرن به معنی آزادگان است. مرکز این سرزمین افسانوی افغانستان امروزه می باشد که شهر های مثل سمنگان، بلخ بامی ام البلاد، طالقان، بغلان و غیره از جمله شهر های یاد شده در متون گذشته مثل، خدایی نامک، بندهش، یا بندهشن، مقدمه شاهنامه ابومنصوری و در آثار دقیقی بلخی، در شاهنامه دست نخورده فردوسی چاپ شده در چارصد سال قدامت دیده می شود.

در هر متن که قبل از تاریخ 1935 میلادی برابر با 1314 شمسی کلمه ایران منحیث یک کشور آمده باشد یک جعل تاریخی آشکار است. زیرا چنین کشوری یک دست مثل امروز با چنین نامی مشخصدر تمام منطقه وجود نداشت. فارسیها بسیار تلاش کرده اند تا با ساختن هویت جدید، هویت منطقه را دگرگون سازند. غرض معلومات بیشتر لطفاً به آثار و اسناد دقیق از قلم روانشاد جناب ناصر پور پیرار بنام " تأملی در بنیاد تاریخ ایران " (دوازده قرن سکوت) مراجعه کنید.

اتن:

کلمه پشتو به معنی رقص دسته جمعی، رقص ملی افغانها، رقص مخصوصی است که رقص کنندگان به شکل دایروی حرکت می نمایند و معمولاً با صدای دهل و انواع دیگر آلات موسیقی، با حرکات مخصوص پا و دست و سر، رقص را اجراء میکنند - درین رقص خورد و بزرگ، زن و مرد، نوآموز و پخته کار میتوانند یکجا اشتراک نمایند - یک نفر به حیث پیشقراول اتن را رهبری میکند و دیگران حرکات وی را تعقیب میکنند - شخصی میتواند این اتن را رهبری کند که لیاقت بهتر از دیگران در این کار داشته باشد - در این رقص تعداد زیاد اشتراک کنندگان با شور و شعف زیاد به یک وجود واحد تبدیل میگردد - با چنین خصوصیتی که این اتن دارد، به حیث رقص ملی افغانستان قبول گردیده است.

رقص گروهی افغان ها که بعد از بدست آوردن موقعیت ها، قهرمانی ها و برای قدردانی از برادری و برابری و هم برای بزرگداشت از مراسم خوشی و ملی به رقص گروهی منظم میپردازند که پیر و جوان در اجرای آن اشتراک میورزند و بزرگسالی "میر" آنرا رهبری مینماید. در کلتور افغانی این رقص ملی با آهنگ های ملی بدرقه میشود.

اتن زیبا و دیدنی نجیبه فیض با تیم اتن

در این روزگار که حفظ و گسترش میراث فرهنگی و زبانی ما بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است، نیاز به همکاری و همدلی همه اندیشمندان قلم بدستان و محققان کشور احساس میشود.

همانگونه که بزرگان و پیشگامان فرهنگی ما، مانند میرمنصبیهاکرم «حیدری» که از همکاری های بیشایبه شان اظهار سپاس مینمایم، با خدمات ارزشمندشان در راستای روشننگری هموطنان، تحکیم وحدت ملی، ارتقای سطح فرهنگی جامعه و تقویت روحیه وطنپرستی گامهای بلندی برداشتهاند، اکنون نوبت ماست که این مسیر را ادامه دهیم. قاموس کبیر افغانستان به عنوان یکی از پروژه های بنیادین فرهنگی، نیازمند مشارکت فعال همه صاحبان علم و قلم است. این اثر جاودان، آینه تمامنمای فرهنگ، زبان و اندیشه ماست که باید با تالش جمعی به کمال برسد.

از شما، فرهیختگان و دانشوران عزیز، دعوت میکنیم تا با به اشتراک گذاشتن دانش، تجربه و آثار ارزشمند خود در این پروژه ملی، نامتان را در تاریخ فرهنگی کشور جاودان سازید. هر مقاله، هر واژه، هر پژوهش شما، گنجینه ای است برای نسلهای آینده. بیابید دست در دست هم، این میراث ملی را غنیر و پایدارتر سازیم و نشان دهیم که اتحاد و همکاری ما، بنیان استواری برای آینده روشن کشورمان است.

همکاری شما، افتخار ماست. آثار شما، میراث نسلهاست.

با احترام و آرزوی توفیق روزافزون برای همه شما